



تماشاخانه

محمد رضا قفقی | کارتونست | email: sunysaghafi@yahoo.com



در حاشیه دستگیری چند کودک کار در بروجرد به دلیل آبنبات فروشی!



با کم شدن بودجه، درآمد اختلاس گرها به ۱۰۰ میلیارد کاهش پیدا کرده

اختلاس گر: خوب شد قبل از گرون شدن عوارض خروج رفته

کانادا: بیابینم چقدر پول برامون آوردی این بار! در خواست راهیمایی صفا اختلاس گران به دلیل کم شدن درآمد، در چار چوب قانون! شهر دار بروجرد: اختلاس کرده بابا، آب نیا که نمیفروخته بر خورد کنیم! پیشنهادهای شهرونک: به واحد پولی جدید بز نیم، اسمش رو بذاریم «اختلاس» از ۱ میلیارد هم شروع می شه!

#تشکل_صنفی_اختلاس_گران_بی_مرز# پسرک_آبنبات_فروش# شهرونک



گمشدگان

فیل در تاریکی*

شهرام شهیدی

طنزنویس

shahrasm_shahidi@yahoo.com

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

شهرام شهیدی

فلکه اول



شهاب نبوی | هوای خوزستان دوباره قهوه‌ای شده. البته دوباره نه، این حال و روز همیشگی خوزستان است. آدم عکس‌های اهواز را که نگاه می‌کنم، یاد عکس‌های سیاه، سفید، قهوه‌ای دهه چهل و پنجاه می‌افتد. من نمی‌دانم این مسئولان میراث فرهنگی دارند چه کار می‌کنند؟ الان اوضاع طوری شده که می‌توان اهواز را از زمینهای مختلف به ثبت جهانی رساند. حالا من این جابین موارد را اعلام می‌کنم، دوستان میراث فرهنگی هر وقت حال داشتند اینها را به ثبت برسانند. یک: این روزها در کشورهای بی‌درد و عار غربی، خیلی‌ها وقتی به پوچی می‌رسند، فکر خودکشی به سرشان می‌زنند، اما وجود این کار اندازند. می‌توان اهواز را به خانه‌ای امن برای این عزیزان به پوچی رسیده تبدیل کرد. لازم نیست هیچ کار خاصی انجام دهند، فقط کافی است با آن ریه‌های سوسول‌شان یک هفته را در این شهر نفس بکشند. می‌توان اسم این نوع از خودکشی را گذاشت، «مرگ خاکی»؛ دو: چون خردمان حالش را نداریم، می‌توان از زاپنی‌ها کمک

خواست تا بیایند و راهی پیدا کنند که بتوان از این خاک در جهت کشاورزی و حتی دامپروری روی هوا استفاده کرد. البته اگر زاپنی‌ها از این کار عاجز بودند، می‌توان از ساقی‌های مواد مخدر هم در این زمینه کمک گرفت. سه: طرح تحول مجرمان خطرناک. می‌توان مجرمان خطرناک (منظورم عزیزان مفسد اقتصادی نیست) را از اقصی نقاط جهان در این شهر جمع و مجبورشان کرد فقط روزی یک ساعت پیاده‌روی کنند. باور کنید به هر چه کرده‌اند اعتراف می‌کنند خیلی هم بیشتر از خنگی مصنوعی و قطع دست و اینها مجرم را از اعمال زشتش متنبه می‌کند. چهارمین پیشنهاد: ثبت رکورد جهانی بیشترین حمله قلبی و مراجعه به اورژانس. البته این جایزه در رقابتی تنگ و نفسگیر و با تقدیر ویژه از مردم تهران به خوزستان می‌رسد. پنجمین پیشنهاد: این دیگر وجدان‌آحق مسلم مردم خوزستان است. باید جایزه باحال‌ترین و خاکی‌ترین مردم کل کره زمین و حومه را دو دستی و با افتخار تقدیم این مردم کرد. چون مردم خوزستان که کلا با معرفت بودند؛ حالا به خاکی بودن هم می‌توانند مشهور شوند.

تلگرافخانه

پیام‌های خود را از طریق این دو آدرس برای ما ارسال کنید: تلگرام: @tanzshahrvang | ایمیل: shahrvang@gmail.com

پاسخگوی شماره ۲۵

ا.ب.ش. بیست و پنج

شهرنگ: بسیار زیبا. شما خودتون اینو می‌خونید به پس‌زمینه گل شقایق در چمن هم تصور کنید. **لی‌لی:** شاید باور تون نشه ولی من هنوز تیتراهای شهرونکو وقتی در اینستاگرام شهرونک می‌بینم قاطمی می‌کنم با تیتراهای دیگه. **شهرنگ:** والا ما خودمون هم تیتراهای جدی



پهران آسپا

شهرنگ: اول از همه با سلام. خود پاسخگو هستم. ضمن تشکر از طنزهایی که فرستادید، این بار خواستیم در پاسخ به طنزهاتون پیام بناریم و تشکر کنیم ولی نمی‌دونیم چرا همه تا می‌بینن پاسخ دادیم تازه سفره دلشونو میخوان باز کنن! بله، من متوجه‌ام روزگار غریبیهست، عصر یک روز خشک زمستانی و آدمیزاد دلش میخواد سرشو بذاره رو شونه یکی، واسش از درداش یکه ولی هیچ آدم خوش‌اخلاقی تری از من پیدا نکردید، باهاش چت کنید؟ حتما باید ریات شم؟ این از ما... حالا شما **مهرداد ۶۴:** آقا کی به ما میگید که شدید جزو استعدادهای کشف‌شده؟ **شهرنگ:** این سوال رو تقریباً ۹۰ درصد پرسیدن، اون ۱۰ درصدی هم نپرسیدن تا امروز عصر حتما کنترلسون از دستتون خارج میشه میپرسن. عرض به خدمتتون هرچی تا امروز فرستادید، داره خونده میشه و دبیر عزیز و عالیقدر هم دوساره میخوانن و طی بیانیه خدمتتون صادر میشه. **شکینیا:** مخاطبا چطور میتونن یا به نویسنده صحبت کنند؟ امکانش هست؟ **شهرنگ:** ببینید بستگی داره شما کی مدنظر تونه. مثلاً محمدرضا کاظمی دست‌واش زباده و بیجورایی هم زاعه هم موسولایی گروه حساب میشه و خب باید برید ته صف، ولی مثلاً محسن پورمضانی داریم که صفش کوتاه‌تره، چون پور نیست ولی به جاش کتاب زیاد میخونه. حالا

بی‌خیال! شانس ما که هیچ‌وقت در نزد، در هم که زدیم، باز نکرد ولی ای شانس جان من چشم به در منتظرم... **شهرنگ:** عزیزم الان داری با ما شوخی می‌کنی یا جدی فکر کردی موضوع فراخوان «چشم به در منتظره؟» ببین مارو توی این انهام بین شوخی و جدی ننگه ندار می‌میریم چون تو، ما نوشتیم چشم به در منتظریم که طنز بفرستید تو چطور می‌خوندی موضوع اینه؟ البته ما فهمیدیم چرا یک‌ساله داری طنز می‌نویسی و شانسنت زنده! چون تحدید با این «» نوشته میشه. **امیر جلالی:** تا کی وقت داریم طنز بفرستیم؟ **شهرنگ:** تا آخر این هفته به صورت جدی، به صورت غیرجدی هر وقت فرستادی ما میخونیم و جای نگرانی نیست، چون اگر دیدیم وودی آن زمانهات هستی، می‌گیم بازم بنویسی. **بی‌نام:** برای چی اسم منو توی ستونتون چاپ کردید، من فقط سوال پرسیدم. لطفاً پاکش کنید. **شهرنگ:** چون شما اینطور باید تصور کنید که هرچی می‌فرستید، پاسخگو انگار فرستادید مستقیم به چاپخونه! و این خاصیت ذهن‌لقی پاسخگوی محترم ۲۵ می‌باشد. متأسفیم اگر دوست نداشتید اسمتون چاپ بشه اما باید ذکر می‌کردید که من همون ذکر کردنتون هم چاپ کنم! این قدر هیچی تو دل نمی‌مونه.